

The Role of Spirituality in the Identity of the Iranian-Islamic City approaching Islamic Ethics

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Asghar Molaei (PhD.)

Assistant Professor of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz.

Correspondence*

Address: Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Arts University, Tabriz.
Email: A.molaei@tabriziau.ac.ir.

Article History

Received: ۶ July ۲۰۲۱

Accepted: ۱۰ September ۲۰۲۱

The Iranian-Islamic city is a city based on Islamic rules, ethics and spirituality. Islamic spirituality is one of the spiritual stages of human beings, which has a high position in human perfection from the perspective of Shiite thought. Spirituality in Islamic thought which prevail in religious, devotional and prayer spaces can be perceived and received. With this description, the purpose of this article is to recognize the place of spirituality in the identity of Iranian-Islamic cities. The present study is descriptive-analytic and data gathering procedure is based on library findings. The findings of this study show that addressing spirituality can be effective through adherence to Islamic ethics, celebrating religious rites and rituals, developing religious spaces to promote spirituality and spiritual spaces in Iranian Islamic cities. Spirituality in Iranian-Islamic cities can be manifested in events, activities and collective and individual behaviors and morals which govern them, or in the natural and artificial environment and physical space and buildings that have been built based on Islamic rules. In a way that every newcomer feels this in the city and in addition contributes to the spiritual growth of human beings. Respect for morality and adherence to Islamic principles such as the rights of God, the rights of the soul, the rights of other human beings, the rights of nature can lead to the formation of lasting spirituality.

Keywords: Spirituality Iranian-Islamic City, Management and Development, Spiritual Space, Islamic Ethics.

جایگاه معنویت در هویت شهر ایرانی_اسلامی با تاکید بر اخلاق اسلامی

اصغر مولائی*

استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.

چکیده

شهر ایرانی اسلامی، شهری مبتنی بر احکام، اخلاق و معنویت اسلامی است. معنویت اسلامی به‌عنوان یکی از مراحل روحی و روانی انسان‌ها است که در کمال وی از منظر تفکر شیعی جایگاه والایی دارد. معنویت در اندیشه اسلامی غالب در فضاهای مذهبی، عبادی و نیایشی قابل ادراک و دریافت است. با این توصیف هدف این مقاله، بازشناسی جایگاه معنویت در هویت شهرهای ایرانی اسلامی است. پژوهش حاضر با روش تحقیق تاریخی، تحلیلی و پژوهش میان رشته‌ای و با استفاده از شیوه‌های مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و پژوهش‌های موردی انجام می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که پرداختن به معنویت از طریق، پایبندی به اخلاق اسلامی، بزرگداشت شعائر مذهبی و مناسک مذهبی، توسعه فضاهای مذهبی در راستای ارتقای معنویت و فضاهای معنوی در شهرهای ایرانی اسلامی، می‌تواند موثر واقع گردد. معنویت در شهرهای اسلامی ایرانی، می‌تواند در رویدادها، فعالیت‌ها و رفتارهای جمعی و فردی و اخلاقیات حاکم بر آن‌ها نمود یابد، یا در محیط طبیعی و مصنوعی و فضای فیزیکی و بناهایی که با تواضع و مبتنی بر احکام اسلامی احداث شده‌اند، تجلی یابد. چنان‌که هر تازه‌واردی آن را در شهر احساس نموده و علاوه بر آن به رشد معنوی انسان‌ها کمک نماید. احترام به اخلاقیات و پایبندی به اصول اسلامی از جمله حقوق خداوند، حقوق نفس، حقوق سایر انسان‌ها، حقوق طبیعت می‌تواند به شکل‌گیری معنوی پایدار بیانجامد.

واژگان کلیدی: معنویت، شهر ایرانی اسلامی، مدیریت و

توسعه، فضای معنوی، اخلاق اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

نویسنده مسئول: A.molaei@tabriziau.ac.ir

مقدمه:

بحران معنویت در شهرها و سکونتگاه‌های انسانی در دوره معاصر، یکی از دغدغه‌های اندیشمندان و نیز از مهمترین چالش‌های بشری به حساب می‌آید. تنهایی انسان و بی‌پناهی او در دنیای معاصر و روی آوردن به فضای مجازی و عواقب نامطلوب آن بر روح و جسم انسان و نیز دنیای گسترده و مغشوش اطلاعات، باعث افول معنویت در عصر حاضر شده است. دین و معنویت آدمی را در پندار، گفتار و رفتار متعادل می‌کند به طوری که انسان تلاش می‌کند در جهت تامین مصالح همگانی و تضمین خانواده‌ای سالم بکوشد تا جامعه‌ای پاک و سعادت بخش ایجاد نماید و هر فرد به حقوق طبیعی و مشروع خود به آسانی دست یابد. "یا ایها الناس قد جاءکم موعظه من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمه للمؤمنین" ای مردم پند و ارزی از جانب خداوند به شما داده شده است که مایه بهبودی و آرامش خاطر تان می‌باشد و رحمت و هدایتی برای مومنان است [۱]. دین و معنویت آدمی را در پندار، گفتار و رفتار متعادل می‌کند به طوری که انسان تلاش می‌کند در جهت تامین مصالح همگانی و تضمین خانواده‌ای سالم بکوشد تا جامعه‌ای پاک و سعادت بخش ایجاد نماید و هر فرد به حقوق طبیعی و مشروع خود به آسانی دست یابد.

در این میان شهر به‌عنوان محمل زندگی انسان، می‌بایست بستری برای سعادت حقیقی بر پایه فطرت و اصول و مبانی اصیل و حقیقی فراهم نماید. اغلب طرح‌های شهری و منطقه‌ای به نیازها و مسائل صرف بسنده کرده و شهرها و مناطق کنونی دارای سیما و منظری یکنواخت و فاقد هویت شده‌اند. در این میان، آموزه‌های مدیریت شهری، طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای توجه چندانی به زمینه‌ها و عوامل هویت‌بخش ایرانی و اسلامی نداشته‌اند. به‌طوریکه در وضعیت فعلی شهرهای ایرانی، ردپای چندانی از مولفه‌های هویتی ایرانی اسلامی به چشم نمی‌خورد. نگرش‌های صرفاً کالبدی و فنی و عملکردی در احداث بناها و راه‌ها و امکانات درون شهری و بیرون شهری به سبک ساخت وسازهای غربی از جمله این بی‌هویتی و بحران معنویت است.

معنویت فضا که با کارکرد و کالبد فضا مرتبط است. فضای معنوی از طریق طراحی و خلق فضاهای معناگرا با رویکرد مذهبی و اعمال و رویدادهای اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌شود. در این رابطه تاثیر مراکز مذهبی بر فضاهای تجاری معاصر (مانند: مساجد در بازارهای تاریخی) قابل ملاحظه است.

روش شناسی

هدف این مقاله، بازشناسی جایگاه فضاهای معنوی در شهرهای

ایران به منظور توسعه برنامه ریزی و طراحی شهرها و مناطق، بر مدار زمینه‌ها و ارزش‌های معنویت می‌باشد. این پژوهش با روش تحقیق تاریخی-تحلیلی و پژوهش میان‌رشته‌ای و با استفاده از شیوه‌های مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و پژوهش‌های موردی انجام می‌شود. در این راستا مهم‌ترین سوال مقاله عبارت است از "راهبردهای توسعه معنویت در شهرهای ایرانی اسلامی کدامند؟" با توجه به اهداف، پرسش‌ها و روش انجام تحقیق، فرآیند انجام این پژوهش به ترتیب زیر خواهد بود: بیان مسأله، تبیین ابعاد شهر ایرانی اسلامی، معنویت و فضاهای معنوی، ارائه راهبردهای ارتقای معنویت در شهرهای ایرانی اسلام، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

چارچوب نظری پژوهش

۱- شهر ایرانی_اسلامی

در خصوص شهر اسلامی دیدگاه‌های متنوعی از نفی آن تا نگرش‌های کالبدی، اجتماعی و غیره وجود دارد که هر کدام به بیان ویژگی‌های متنوعی در خصوص مبانی، اصول و مشخصه‌های فرمی و محتوایی پرداخته‌اند. از نظر ایمس راپاپورت، اندیشمند فرهنگ گرا در حوزه مطالعات شهری، عالم فرهنگی و به‌ویژه اعتقادات مذهبی مردم، اساس انتظام بخشی زیستگاه‌های انسانی بوده است. وی مذهب و مقدسات مردم را عنصر اساسی نظم دهی به سکونتگاه‌ها دانسته که غالباً به شیوه‌ای نماد گرایانه صورت می‌گرفته است [۲]. براساس آموزه‌های دینی در اسلام، همه فضاهای مادی و معنوی برای سعادت دنیوی و اخروی انسان و مسلمان خلق گردیده است، همچنان که فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ه.ق) هدف انسان را سعادت تلقی می‌کند و بر این موضوع تاکید دارد که مدینه فاضله انسان را به سعادت می‌رساند. از نظر فارابی مهمترین معیار در شهر اسلامی، نقش اخلاق اسلامی و مسلمانی در طراحی شهر است [۳]. علامه طباطبائی پیدایش جامعه را مبتنی بر اصل استخدام تحلیل می‌کند. انسان‌ها به دنبال منفعت خود هستند و قصد دارند دیگران را به خدمت گیرند و چون این خصلت مشترک است، مواجهه انسان‌ها با یکدیگر، پیوند اجتماعی را برقرار می‌سازد و این گونه اعتبار اجتماع پدید می‌آید. از نگاه علامه طباطبائی، تاریخ با شکل‌گیری جامعه مبتنی بر اصل استخدام آغاز می‌شود و به سبب همان اصل، دچار اختلاف و تنازع می‌گردد. عامل رفع این اختلاف نمی‌تواند امری از درون جامعه باشد، بلکه انبیای الهی علیه السلام از سوی خداوند متعال به پشتوانه دین و شریعت آسمانی به سوی جوامع انسانی آمده، آن‌ها را به وحدت و انسجام دعوت می‌کنند و این گونه، موجب رشد و تکامل آن‌ها می‌گردند.

اجتماع صالح، که در آن بتوان به سعادت حقیقی رسید، تنها در پرتو آموزه‌های دینی و شرایع آسمانی قابل تحقق است [۴].

شهید مطهری در کتاب "شش مقاله" در خصوص متغیرها این چنین پاسخ می‌دهد: آیا درست است که همه نیازمندی‌های بشر در تغییر است و با تغییر نیازمندی‌ها قوانین و مقررات مربوط به آن‌ها تغییر می‌کند؟ جواب این است که نه تمام نیازمندی‌ها در تغییر است و نه لازمه تغییر نیازمندی‌ها این است که این اصول و قواعد اساسی زندگی تغییر کند. نیازمندی‌ها بر دو گونه است: نیازمندی‌های اولی و نیازمندی‌های ثانوی. نیازمندی‌های اولی از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. تا انسان، انسان است و تا زندگی وی زندگی اجتماعی است، آن نوع نیازمندی‌ها هست. این نیازمندی‌ها یا جسمی است یا روحی و یا اجتماعی. نیازمندی‌های جسمی از قبیل نیازمندی به خوراک، پوشاک، مسکن، همسر و غیره؛ نیازمندی‌های روحی از قبیل علم، زیبایی، نیکی، پرستش، احترام و تربیت؛ نیازمندی‌های اجتماعی از قبیل معاشرت، مبادله، تعاون، عدالت، آزادی و مساوات. نیازمندی‌های ثانوی نیازمندی‌هایی است که از نیازمندی‌های اولی ناشی می‌شود. نیازمندی به انواع آلات و وسایل زندگی در هر عصر و زمانی با عصر و زمان دیگر فرق می‌کند، از این نوع است. نیازمندی‌های اولی، محرک بشر به سوی توسعه و کمال زندگی است، اما نیازمندی‌های ثانوی ناشی از توسعه و کمال زندگی است و در عین حال محرک به سوی توسعه بیشتر و کمال بالاتر است. تغییر نیازمندی‌ها و نو شدن و کهنه شدن آن‌ها مربوط به نیازمندی‌های ثانوی است. نیازمندی‌های اولی نه کهنه می‌شود و نه از بین می‌رود؛ همیشه زنده و نو است. پاره‌ای از نیازمندی‌های ثانوی نیز چنین است. از جمله آن نیازمندی به قانون است. نیازمندی به قانون ناشی از نیازمندی به زندگی اجتماعی است و در عین حال دائم و همیشگی است. بشر هیچ زمانی بی‌نیاز از قانون نخواهد شد. یک قانون اساسی اگر مبنا و اساس حقوقی و فطری داشته باشد، از یک دینامیسم زنده بهره مند باشد، خطوط اصلی زندگی را رسم کند و به شکل و صورت زندگی که وابسته به درجه تمدن است نپردازد، می‌تواند با تغییرات زندگی هماهنگی کند بلکه رهنمون آن‌ها باشد. قانون هر اندازه کلی و معنوی باشد و توجه خود را نه به شکل‌های ظاهری اشیا بلکه به روابط میان اشیا یا میان اشخاص معطوف کرده باشد شانس بقا و دوام بیشتری دارد [۵].

جستجوی علل وجودی یک موضوع می‌تواند اهمیت و جایگاه آن را از چیستی، چرایی و چگونگی مشخص نماید. از نظر ابن‌سینا در توصیف علل اربعه معتقد است: «سبب شی یا داخل در قوام و وجود معلول است و یا خارج از وجود معلول است. اینکه داخل در وجود معلول است یا جز بالقوه است که همان ماده است

ب- علت صوری شهر اسلامی ایرانی: صور شهر اسلامی ایرانی عبارتند از: امت اسلامی، جامعه اسلامی، اجتماعات یکپارچه و آیین‌ها و رویدادهای اسلامی (مانند برگزاری نماز جماعت)، رفتارهای مبتنی بر احکام اسلامی و قوانین شریعت (مانند تقوی، رعایت حلال و حرام، حجاب و عفاف، پاکیزگی، برادری، عدالت و میانه روی، احترام)، مکان‌های کلیدی شهر همچون مسجد، کالبد خانه‌ها و محله‌ها با مرکزیت مساجد، درهم تنیدگی کالبدی و اجتماعی.

ج- علت فاعلی شهر اسلامی ایرانی: سازندگان شهر اسلامی ایرانی عبارتند از: حاکم شهر، قانون گذاران و مدیران شهر (شورای شهر، ادارات و سازمان‌های مختلف و ...)، حرفه مندان و متخصصان (معمار، طراح، برنامه ریز و شهرساز اسلامی) و مسلمانان که به‌طور فردی و جمعی در تشکیل اجتماع صالح تلاش می‌کنند.

د- علت غایی شهر اسلامی ایرانی: نظام غایی بدین معناست که هر یک از موجودات هدف و مقصد خاصی را تعقیب می‌کنند و اصل و سرسلسله غایت‌ها چیزی جز وجود مقصود بالذات، یعنی خدای سبحان نیست [۷]. علل غایی در شهر اسلامی ایرانی عبارتند از: تشکیل جامعه اسلامی، مدینه فاضله، نیل به سعادت دنیوی و اخروی، کمال فردی و اجتماعی، رضایت پروردگار.

جدول ۱: بررسی علل اربعه شهر اسلامی ایرانی

| علل اربعه | شهر اسلامی ایرانی |
|-----------|--|
| علت مادی | قوانین شریعت- مسجد به‌عنوان کانون اجتماعی و فرهنگی شهر- وحدت و یکپارچگی اجتماعی- امکانات عام المنفعه به‌ویژه بازار اسلامی- خانواده‌ها، خانه‌ها و محله‌ها- فضاهای عمومی امن- تعاملات اجتماعی. |
| علت صوری | امت اسلامی- اجتماعات یکپارچه- آیین‌ها و رویدادهای اسلامی (بزرگاری نماز جماعت)- حجاب و عفاف- رفتارهای مبتنی بر احکام اسلامی و قوانین شریعت کالبد خانه‌ها و محله‌ها با مرکزیت مساجد- درهم تنیدگی کالبدی و اجتماعی. |
| علت فاعلی | حاکم شهر اسلامی- مسلمانان- حکومت اسلامی- مدیریت شهری و نمایندگان مردم- حرفه مندان و متخصصان. |
| علت غایی | تشکیل جامعه اسلامی- مدینه فاضله- نیل به سعادت دنیوی و اخروی- کمال فردی و اجتماعی- اجرای احکام اسلامی- حق الله و حق الناس- انجام واجبات و ترک محرمات- رضایت پروردگار. |

اسلامی، بعد از مدتی برخوردارهای قبیله‌ای و ناحیه‌ای را از بین می‌برد و برادری و برابری اسلامی را جانشین بسیاری از برخوردها می‌کند. بدین سان قوانین اسلامی، هم در چهارچوب طرح‌های شهری، مسکونی و ساختمانی است و هم با جانشین ساختن برادری اسلامی، در مورفولوژی شهری توازن ایجاد می‌کند. در جامعه اسلامی، به وجود آمدن مکتب‌های فکری در مدارس نظامیه یا مساجد و بازار به‌نحوی فرهنگ شهری را تحت تاثیر قرار داده است [۸].

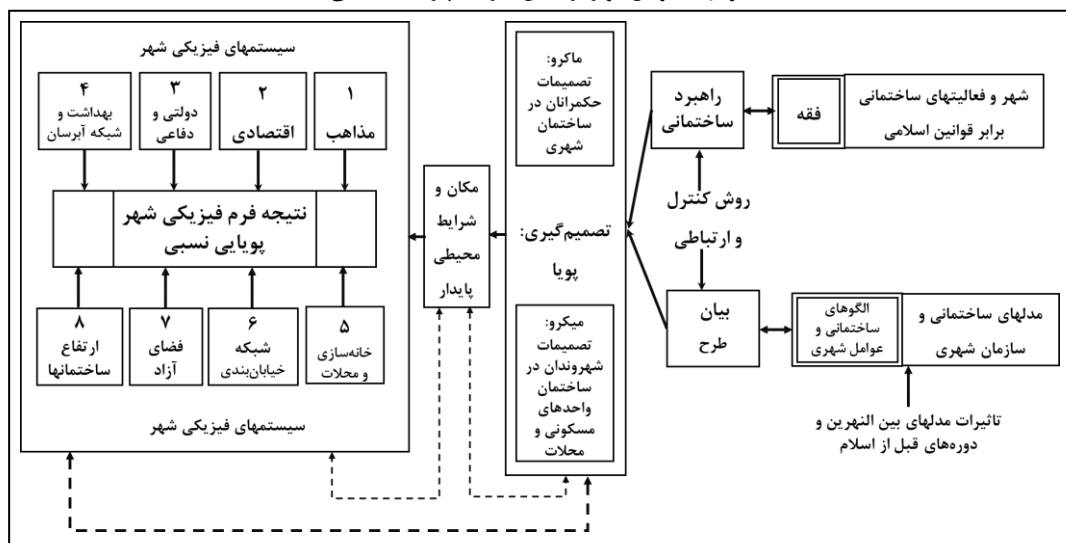
و یا جز بالفعل است که آن را صورت می‌دانند. حال اگر علت شی خارج از وجود معلول باشد، دو فرض بیشتر ندارد: یا معلول وجودش از او ایجاد شده که فاعل است و یا وجود معلول به خاطر آن محقق شده است که همان غایت است» [۶]. برای روشن شدن ضرورت وجودی نظم و پیچیدگی در شهر اسلامی_ ایرانی و شناخت سبب ماده، صورت، فاعل و غایت آن می‌توان علل اربعه آن را بررسی نمود، چرا که بدون شناخت این علل، شهر دچار انحراف، غفلت و گمراهی می‌شود.

از دیدگاه ایت الله جوادی آملی، نظم موجود در جهان هستی در چهار بخش مطرح است: نظم فاعلی، نظم درونی، نظم بیرونی و نظم غایی [۷]. بنابراین شناخت و تبیین علل وجودی شهر اسلامی_ ایرانی، ضرورتی است که می‌تواند در بازشناسی و ارائه طریق سعادت و کمال مفید واقع شود:

الف- علت مادی شهر اسلامی ایرانی: شهر اسلامی ایرانی که دارای ابعاد اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی است. بنابراین ماده تشکیل دهنده آن نیز در ابعاد مذکور وجود دارند: در بعد اجتماعی، مسلمانان و روابط مابین آن‌ها، قوانین حقوقی و اخلاقی؛ در بعد کالبدی، مسجد، مدرسه، بناهای عام المنفعه، خانواده، خانه و محله اسلامی ایرانی؛ در بعد اقتصادی بازار اسلامی ایرانی و کالاهای مورد نیاز مسلمانان؛ در بعد زیست محیطی، عناصری همچون آب و گیاهان مواد تشکیل دهنده شهر اسلامی ایرانی بوده و باید مبتنی بر نظم اسلامی باشند.

اسلام همواره برای حریم زندگی خانوادگی و ارزش‌های آن اهمیت قائل است؛ از این رو همه دستورات و قوانین، به گونه‌ای برنامه ریزی شهری و ساخت شهرهای اسلامی را تحت تاثیر قرار داده و به مورفولوژی شهرهای اسلامی هویت ویژه‌ای بخشیده است که با شهرهای نواحی دیگر دنیا متفاوت است. مورفولوژی شهرهای اسلامی همواره از اصول و قوانین اسلامی تاثیر پذیرفته است و شکل یابی شهرها بعد از سال ۶۲۲م. که آیین پیامبر اسلام در مدینه طرح شد، شروع می‌شود. گسترش قوانین

نمودار ۱: عوامل موثر بر شکل گیری شهرهای اسلامی



منبع: [۹].

۲- شهر اسلامی علامه جوادی آملی

حمید پارسانیا (۱۳۹۲)، نظریه علامه طباطبایی را در ابعاد سه‌گانه جهان دانی، جهان داری و جهان آرای بی تبیین می‌نماید:

۱- **جهان دانی:** در بعد جهان دانی، عقلانیت فطری بر فطرت همه هستی تأکید می‌کند، زیرا خداوند فاطر آسمان‌ها و زمین و همه زمینی‌ها است (سوره فاطر، آیه ۱). همه اجزا یک مجموعه‌اند و کل جهان یک واحد است و دارای یک جهت گیری: "مَاتَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَل تَرَى مِن فُطُورٍ" در آفرینش خداوند رحمان هیچ ناهماهنگی نمی‌بینی بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟ (سوره ملک، آیه ۳). هدف داری آفرینش، هماهنگی بین همه اجزای جهان و نظم محاسبه شده آن به معنای وجود معنا و روح در فرد فرد اجزا آن است، چون دارای آفریننده و پدید-آورنده‌ای حکیم است. وجود قوانین تکوینی و طبیعی در سراسر این پهنه مستلزم و به معنای نفی حضور خداوند و نفی ربوبیت و سر رشته داری او نیست. عقلانیت فطری انسان را که عضو اصلی این جهان است به پیمودن راه طبیعی و فطری‌اش که در آن با همه جهان همگان است فرا می‌خواند [۴، ۱۰].

۲- **جهان داری:** در بعد جهان داری، عقلانیت فطری صلاحیت هرگونه طراحی و کارگردانی مستقل و خودسرانه در امور جهان و انسان را از هر کسی جز خدا سلب می‌کند؛ خدا آفریننده انسان و جهان و طراح نظام پیوسته آن است و به

امکانات و نیازها و ذخائر و استعدادها نهمفته در جسم و جان آمدی و گنجینه‌ها و قابلیت‌های بی شمار هستی و میزان کاربرد و مورد مصرف و چگونگی ترکیب این همه را او می‌داند و به نیکی می‌شناسد. پس فقط اوست که می‌تواند شیوه زندگی و الگوی مدیریت ارتباطات انسان در حوزه خصوصی و عمومی را که همان خط مشی حرکت وی در این نظام تکوین است طرح ریزی کند و سیستم قانونی زندگی و قواره و نظام اجتماعی او را ترسیم کند. پس باید تسلیم برنامه ارتباطی او که در قالب دین به وسیله رسول ارائه می‌شود بود و در دل حتی ذره‌ای نیز ناخشنود نبود (سوره نساء، آیه ۶۵). پس، روش عقلانیت فطری روش دموکراسی یا سایر روش‌های مبتنی بر کامروایی‌های مادی نیست بلکه روش رسول خدا که شیوه او، بهترین سرمشق است [۴].

۳- **جهان آرای:** در بعد جهان آرای، عقلانیت فطری قلمرو زندگی و هستی انسان را با یکپارچگی و وحدت آراسته می‌کند. زندگی انسان ترکیبی است از ذهن و واقعیت، از ذهنیت و عینیت، از اندیشه و عمل. اگر یکی از این دو یا بخشی از هر یک محکوم قطب‌ها و قدرت‌های ضد خدایی شود و ذهن خدا گرا با واقعیتی غیر خدایی یا عینیتی خدا پسند با ذهنیتی خدانشناس توام گردد، در قلمرو زندگی انسان دوگانگی رخ می‌دهد و در عبودیت خدا شرک پدید می‌آید و چنین انسانی دچار سرگردانی و سرگستگی و در نهایت در خاری و زبونی خواهد شد [۴].

جدول ۲: ویژگی‌های عقلانیت فطری در ابعاد جهان دانی، جهان داری و جهان آرای

| ابعاد | معیار | هویت | ویژگی‌ها |
|-----------|--------------------------------|------|--|
| جهان دانی | هماهنگی با فطرت اصیل و سالم | قدسی | واقعیت فیزیکی و اجتماعی هر دو معنادار (نظم موجود در واقعیت‌های طبیعی و اجتماعی نشانگر آفرینش و حکمت الهی). |
| جهان داری | | | اداره حیات اجتماعی براساس برنامه الهی و شورا. |
| جهان آرای | | | آراستگی جهان هستی با وحدت، هماهنگی و همبستگی. (سعادت در گرو حرکت توحیدی و هماهنگی با عقلانیت فطری) |

منبع: [۱۰].

بنابراین می‌توان اینچنین نتیجه گرفت که درک جهان، پیشبرد و تعالی آن در گرو درک نظم فطری و الهی در تمامی ابعاد زیستی، طبیعی و اجتماعی، کاربست برنامه الهی (احکام لایتغیر فطری) و حرکت در راستای وحدت، هماهنگی و همبستگی و اعتدال است. این ویژگی‌ها در راستای تبیین شهر اسلامی نیز قابل استفاده است.

همان‌طور که هست و نیست‌های دین مثل اعتقاد به خدا و ابدیت خواهی، فطری انسان است، باید و نبایدهای دین نیز این‌گونه است؛ یعنی مقتضیات تکوینی و خواسته‌های نفس است که خدا به وی الهام کرده است: «و نفس و ما سویها، فالهمها فجورها و تقوئها» قسم به نفس انسان و آن کس که او را مستوی و بدون نقص بیافرید و به او فجور و تقوا را الهام کرد [۱]. براساس این آیه، انسان یک سلسله بدی‌ها و خوبی‌های معین دارد، چون در آیه: «الفجور و التقوی» ذکر نشد و به جای آن: «فجورها و تقوئها» به کار رفت از این رو نمی‌توان همه کارها را برای انسان یکسره روا یا ناروا دانست. پس انسان دارای فجور و تقوا است و این فجور و تقوا همان بایدها و نبایدهای فطری است. ریشه بایدها و نبایدها همان فجور و تقوای نفس است که خدا اصول اولیه آن را از راه الهام غیبی به انسان یاد داده و با وحی نازل، همه آن خطوط اعم از اصلی و فرعی را تبیین فرموده است. براین اساس است که خطاب به او می‌گوید: «فطرت را بگیر» یعنی فجور و تقوای را که به خوبی برای تو توجیه کرده‌ایم، مغتنم شمار که با خواسته ذاتی تو هماهنگ است [۱۱].

از نظر آیت الله جوادی آملی، «اخلاق وحیانی»، مختص ادیان الهی و برپایه «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است یعنی انسان موجودی ممتاز است که خدا وی را با سرشتی مخصوص چنان آفریده که می‌تواند «فجور» و «تقوا» یا خوب و بد را با آن سرشت بفهمد. انسان نخست باید ذات و حقیقت و آغاز و انجام و جاودانه بودن خویش را بشناسد یا به او بشناساند تا جایگاه خویش را در پهنه هستی دریابد. براین اساس، اخلاق از امور مربوط به روابط اجتماعی بسیار فراتر می‌رود و هر عقیده و عملی، خواه مربوط به خود فرد باشد یا به پیوند میان او و خدا مرتبط

باشد و خواه به ارتباط او با مردم گره بخورد در حوزه اخلاق و اوصاف قرار می‌گیرد. در سرتاسر قرآن کریم، هر جا عمل نیک یا بدی ذکر شده، پاداش یا کیفر آن هم با وضوح و گاه به تفصیل آمده است. گوینده ناظر دقیقی است که تمام ظاهر و باطن عمل را از آغاز تا انجام و تا نتیجه‌ای که بر آن مترتب می‌شود، می‌بیند و می‌داند که این بذر چگونه می‌شکند و می‌روید و می‌بالد و به بار می‌نشیند و بار و برش می‌رسد و چیده می‌شود و شیرین آن بار شیرین و تلخش بار تلخ می‌دهد و ... این کاری است که جز وحی راستین، هیچ‌کس و هیچ چیزی از عهده آن بر نمی‌آید. پس باید پذیرفت که اخلاق فراگیری که در اعماق روح نفوذ کند و برانگیزاند، حیات کنونی و پس از مرگ او را بسازد و ساختار بخشد و مستعدان را در مراتب متفاوت و متضاد کمال، به کمال برساند و به عالی‌ترین درجه عرفان که مخصوص انسان کامل است، ارتقا دهد، «اخلاق وحیانی» است [۱۲].

آیت الله جوادی آملی در خصوص رابطه بین علم و دین معتقد است الزامات تولید علم دینی و اسلامی سازی علوم تجربی عبارتند از:

- ۱- عنوان طبیعت برداشته شود و به جای آن خلقت قرار گیرد، یعنی اگر عالمی یا محققى بحث می‌کند که فلان اثر در فلان ماده معدنی هست یا فلان گونه گیاهی چنین خواص و آثاری دارد، با تغییر عنوان یاد شده این‌گونه می‌اندیشد و آن را تبیین می‌کند که پدیده‌ها و موجودات چنین آفریده شده‌اند.
- ۲- عنوان خالق که مبدا فاعلی است ملحوظ باشد، یعنی آفریدگار حکیم، صحنه خلقت را چنین قرار داده که دارای آثار و خواص ویژه‌ای باشند.
- ۳- هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است منظور شود.
- ۴- محور بحث دلیل معتبر نقلی مانند آیه قرآن یا حدیث صحیح قرار بگیرد.
- ۵- از تائیدهای نقلی و تحلیل‌های آن استمداد شود.
- ۶- در هیچ موردی ادعا نشود که عقل در این مورد کافی است. همچنان که نباید فقط به نقل هم اکتفا نمود.
- ۷- تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جز دیگر

تمامی ابعاد زیستی، طبیعی و اجتماعی، کاربرست برنامه الهی (احکام لایتغیر فطری) و حرکت در راستای وحدت، هماهنگی و همبستگی و اعتدال است. این ویژگی‌ها در راستای تبیین شهر اسلامی نیز قابل استفاده است.

از دیدگاه عقلانیت فطری علامه طباطبایی که در سه بعد جهان دانی، جهان داری، جهان آرای برسی شد، می‌توان شهر اسلامی را تعریف و ویژگی‌های آن را برشمرد به طوری که درک جهان، پیشبرد و تعالی آن در گرو درک نظم فطری و الهی در

جدول ۳: تبیین شهر اسلامی در ابعاد جهان دانی، جهان داری و جهان آرای براساس اندیشه علامه طباطبایی

| ابعاد | معیار | هویت | ویژگی‌های شهر اسلامی |
|-----------|--------------------------------|------|---|
| جهان دانی | هماهنگی با فطرت اصیل و سالم | قدسی | واقعیت فیزیکی معنادار و هماهنگ با خلقت زیست محیطی. واقعیت اجتماعی معنادار و هماهنگ با فطرت انسان‌ها. نظم موجود در واقعیت‌های طبیعی و اجتماعی نشانگر آفرینش و حکمت الهی. |
| جهان داری | | | توسعه شهر اسلامی با کاربرست قوانین و احکام جامع، هماهنگ و سازگار با برنامه فطری و الهی. |
| جهان آرای | | | آراستگی شهر اسلامی با وحدت، هماهنگی و همبستگی. (سعادت در گرو حرکت توحیدی و هماهنگی با عقلانیت فطری) |

۳- معنویت دینی و فضای معنوی

انسان موجودی است که به غیر از غرائز حیوانی دارای فطرتی الهی است. فطرت، منشا حرکت و تکاپوی دائمی انسان به سوی کمال است. کشش‌ها و گرایش‌های فطری برخلاف کشش‌های غریزی، ریشه در اندام جسمی ندارند و از ویژگی‌های ثابت و اصیل روحی‌اند. این گرایش‌ها آگاهانه نیستند و شکوفایی استعدادهای فطری، مشروط به برطرف کردن موانع آن‌ها و قرار گرفتن در جهت اصلی کمال است. معنویت گرایی انسان نیز یک واقعیت فطری است که خداوند سبحان در وجود انسان، تعبیه کرده است. خداوند در سوره روم آیه ۳۰ درباره فطرت خدا گرای می‌فرماید: "فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم"; (با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. تغییری در آفرینش خدا نیست. آیین پایدار همین است) [۱].

انسان‌ها نمی‌توانند نیازهای خود را به تنهایی برطرف کنند و به نوعی به تقسیم کار نیازمندند و از طرفی انسان موجود آزاد و مختاری است؛ لذا محتاج قوانین و حقوقی است که همه به آن احترام بگذارند. آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان، و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد، شجاعت مقابله با ستم ایجاد می‌کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند؛ ایمان مذهبی است. تجلیات انسانی انسان‌ها که مانند ستارگان در آسمان تاریخ پر حادثه انسانی می‌درخشند، همان‌هایی است که از احساس‌های مذهبی سرچشمه گرفته است.

زندگی بشر، خواه ناخواه، هم چنان که خوشی‌ها،

شیرینی‌ها، به دست آوردن‌ها و کامیابی‌ها دارد، رنج‌ها، مصایب، شکست‌ها، از دست دادن‌ها، تلخی‌ها و ناکامی‌ها دارد و بسیاری از آن‌ها قابل پیش‌گیری یا برطرف کردن است، هر چند پس از تلاش زیاد. بدیهی است که بشر موظف است با طبیعت دست و پنجه نرم کند، تلخی‌ها را تبدیل به شیرینی نماید اما پاره‌ای از حوادث جهان قابل پیش‌گیری و برطرف ساختن نیست؛ مثلاً پیری. انسان خواه ناخواه به سوی پیری گام برمی‌دارد و چراغ عمرش رو به خاموشی می‌رود، ناتوانی و ضعف پیری و سایر عوارض آن، چهره زندگی را دژم می‌کند. به علاوه، اندیشه مرگ و نیستی، چشم بستن از هستی، رفتن و جهان را به دیگران واگذاشتن، به نوعی دیگر انسان را رنج می‌دهد. معنویت مذهبی در انسان نیروی مقاومت می‌آفریند و تلخی‌ها را شیرین می‌گرداند. انسان با ایمان و معنویت می‌داند هر چیزی در جهان حساب معینی دارد و اگر عکس‌العملش در برابر تلخی‌ها به نحو مطلوب باشد، فرضاً خود این غیر قابل جبران باشد، به نحو دیگر از طرف خداوند جبران می‌شود. از نظر چنین فردی دیگر مرگ، نیستی و فنا نیست، انتقال از دنیایی فانی و گذرا به دنیایی باقی و پایدار و از جهانی کوچک‌تر به جهانی بزرگ‌تر است [۵].

اولین اثر معنویت دینی از نظر بهجت زایی و انبساط آفرینی، خوش بینی است؛ خوش بینی به جهان و خلقت و هستی. معنویت مذهبی از آن جهت که تلقی انسان را نسبت به جهان شکل خاص می‌دهد، به این نحو که آفرینش را هدف دار و هدف را خیر و تکامل و سعادت معرفی می‌کند، طبعاً دید انسان را نسبت به نظام کلی هستی و قوانین حاکم بر آن خوش بینانه می‌سازد. آری معنویت است که زندگی را در درون جان ما وسعت می‌بخشد و مانع فشار عوامل روحی می‌شود.

دومین اثر معنویت مذهبی از نظر بهجت زایی و انبساط

اجتماع، علم، امنیت، آزادی، اخلاق و عدالت جدا نیست، بنابراین نماز که مذكر ایمان است، پشتوانه عدالت اجتماعی و اصل مساوات و رعایت حقوق اجتماعی است. مسجد از اجتماع و از امنیت اجتماعی جدا نیست. مسجد پشتوانه قانون عادلانه است. مسجد پشتوانه پند و اندرزهای اخلاقی است. سر موفقیت اسلام این است که عدالت و عبادت را به هم توأم کرده، مسجد را پشتوانه دادگستری و شهرداری و شهربانی قرار داده است [۱۴]. از جمله مصادیق تعظیم و بزرگداشت شعائر دینی، احداث مساجد می‌باشد. تاسیس مسجد از مصادیق باقیات صالحات است که در احادیث متعدد از پیامبر اکرم و ائمه طاهرين بر آن و آبادانی و توسعه و حضور در اجتماع مسجد و آداب استفاده از آن تاکید شده است [۱۳].

همان طور که، طراحی باید با سنت طبیعت خدادادی هماهنگ باشد، باید با سنت شریعت الهی نیز هماهنگ باشد. هر قدر، نوع ساخت و سازها بتواند حاکمیت خداوند را متجلی کند و حضور او را به نمایش بگذارد، به همان میزان به معماری و شهرسازی اسلامی نزدیک‌تر شده است. برای مثال، با توجه به جایگاه مسجد در تعالیم اسلامی شایسته است، در طراحی و استخوان بندی و کاربری فضاها مسجد، پایگاه و محور فعالیت‌های اجتماعی باشد.

رابطه انسان با خدا و نیازمندی‌های ثابت عبادی و معنوی انسان (پرستش یکی از نیازمندی‌های اولی از دیدگاه شهید مطهری) ایجاب می‌کند که اولاً فضایی درخور برای عبادت و نیایش و نیازهای معنوی انسان در نظر گرفته شود و دوماً این فضا از نظر کیفیت، موقعیت و دسترسی از سایر فضاها بهتر باشد. فضای عبادی به‌ویژه مسجد می‌بایست بر محیط پیرامون خود تأثیری ملموس و سایه‌ای معنوی بر عملکردهای پیرامون خود بیافکند، به‌عنوان مثال در بازارهای تاریخی مساجد در نقاط شاخص و قابل استفاده برای بازاریان و همسایگان بازار احداث می‌شده است. همچنین فضای عبادی و معنوی می‌تواند، محلی برای آموزش احکام و کمک‌های مردمی و اجتماعات مذهبی و کانون معنویت و خدا محوری برای بافت پیرامون خود باشد.

ایجاد فضای معنوی، یکی از راه‌های تقویت معنویت در زندگی است. چرا که اگر انسان در راستای معنویت قرار نگیرد و فرصت و زمینه حضور معنوی و تهذیب نفس او فراهم نشود، ممکن است به جهت مخالف یعنی زمینه‌های مجازی و غیرحقیقی جذب شود. ایجاد کاروان‌های فرهنگی و زیارتی و حرکت به سوی بقاع متبرکه و حرم‌های مطهر امام‌زادگان، زیارت زیارتگاه‌ها، یکی از این راه‌ها است. شکل‌گیری جو عاطفی، همدلی زائران و خضوع در برابر خداوند با توسل به خاندان اهل بیت، می‌تواند معنویت و انسان‌های معنوی را ارتقا دهد. زیارت، از

آفرینی روشن دلی است. انسان همین که به حکم معنویت و ایمان مذهبی، جهان را به نور حق و حقیقت روشن دید، همین روشن بینی، فضای روح او را روشن می‌کند و در حکم چراغی می‌گردد که در درونش روشن شده باشد. برخلاف یک فرد بی ایمان که جهان در نظرش پوچ، تاریک و خالی از درک و بینش و روشنایی است.

سومین اثر معنویت مذهبی از نظر تولید بهجت و انبساط امیدواری به نتیجه خوب و تلاش خوب است. از نظر منطق مادی، جهان نسبت به مردمی که در راه صحیح و یا راه باطل، راه عدالت یا راه ظلم، راه درستی یا راه نادرستی می‌روند، بی طرف و بی تفاوت است ولی در منطق فرد با ایمان، جهان نسبت به تلاش این دو دسته بی طرف و بی تفاوت نیست. عکس العمل جهان در برابر این دو نوع تلاش یکسان نیست؛ بلکه دستگاه آفرینش حامی مردمی است که در راه حق، حقیقت، درستی، عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند: "إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر خدا را یاری کنید (در راه حق گام بردارید) خداوند شما را یاری می‌کند." "إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود."

چهارمین اثر معنویت مذهبی از نظرگاه بهجت و انبساط، آرامش خاطر است. انسان فطرتاً جوای سعادت خویش است. از تصور وصول به سعادت غرق در مسرت می‌گردد و از فکر یک آینده شوم و مقرون به محرومیت، لرزه بر اندامش می‌افتد و سخت دچار دلهره و اضطراب می‌گردد.

یکی دیگر از آثار معنویت مذهبی از جنبه انبساط بخشی بر خورداری از یک سلسله لذتها است که "لذت معنوی" نامیده می‌شود. انسان دو گونه لذت دارد: یک نوع لذتهایی است که به یکی از حواس انسان تعلق دارد که در اثر برقراری نوعی ارتباط میان یک عضو از اعضا با یکی از مواد خارجی حاصل می‌شود. نوع دیگر، لذتهایی است که با عمق روح و وجدان آدمی مربوط است و به هیچ عضو خاص مربوط نیست و تحت تأثیر برقراری رابطه با یک ماده بیرونی حاصل نمی‌شود؛ مانند لذتی که انسان از احسان و خدمت، یا از محبوبیت و احترام، یا از موفقیت خود یا فرزند خود و یا لذت عبادت و پرستش خدا به دست می‌آورد.

راهبردهای ارتقای معنویت در شهر اسلامی ایرانی

۱- خلق فضاهای معنوی:

اجتماع و زندگی مدنی به دو چیز احتیاج مبرم دارد. هیچ مفکری در دنیا پیدا نشده که منکر یکی از این دو چیز بشود: قانون و اخلاق. پشتوانه این دو ایمان است. اگر ایمان نباشد وضع مقررات به نام قانون و پند و اندرز به نام اخلاق، بی فایده و بی ثمر و لااقل بسیار کم ثمر و اثر خواهد بود. مسجد از نظر اسلام از

عزاداری و سوگواری و نمایش‌های آیینی مثل پرده‌خوانی و تعزیه، نمونه‌هایی از این مناسک هستند. که در اکثر موارد به گونه جمعی برگزار می‌گردند؛ مجموعه‌ای از اعمال که جان مک کوری برای توصیف آن‌ها از تعبیر "بزرگداشت شعور جمعی" استفاده می‌کند. کنش‌های دینی با ایجاد شرایط برابر و یکسان برای همه افراد مشارکت‌کننده، روح تعاون و مددکاری اجتماعی را در آن‌ها تقویت می‌کند و فرد را از موقعیت دنیوی چون تفاوت‌های جنس و نژاد و طبقه جدا می‌کند و همسان‌گرایی و مساوات طلبی را بین آنان به وجود می‌آورد [۱۶، ۱۷].

۳- تعالی و کمال انسان

از آنجا که، در جامعه اسلامی تساوی دو روز مومن غبن است، باید امکانات شهری و نوع ساخت وسازها برای آحاد جامعه امکان رشد را فراهم سازد. فضای اماکن عمومی باید انجام دادن امور عبادی سهل و مناسب را عملی سازد. در تربیت انسان‌های فکور، انتخاب‌گر، مختار، مسئول و متعهد فضاهای شهری می‌توانند نقشی مهم ایفا نمایند. این فضاها از یک سو با تامین بستر حضور فعال و مثبت انسان و از سوی دیگر با جای‌دهی برنامه‌ها و رویدادهای آموزنده و تربیت‌کننده این مهم را به انجام می‌رساند. همان‌طور که، طراحی باید با سنت طبیعت خدادادی هماهنگ باشد، باید با سنت شریعت الهی نیز هماهنگ باشد. هر قدر، نوع ساخت و سازها بتواند حاکمیت خداوند را متجلی کند و حضور او را به نمایش بگذارد، به همان میزان به معماری و شهرسازی اسلامی نزدیک تر شده است. برای مثال، با توجه به جایگاه مسجد در تعالیم اسلامی شایسته است، در طراحی و استخوان بندی و کاربری فضاها، مسجد پایگاه و محور فعالیت‌های اجتماعی باشد.

۴- ایمنی و امنیت

شهر باید مکانی امن باشد که مردم در آن احساس اطمینان خاطر و امنیت کنند. ایمان و مومن نیز از ریشه امن‌اند. امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است. امنیت یکی از نیازهای اصلی فرد و جامعه برای احساس سلامت، راحتی، آسایش و سعادت است. امنیت اخلاقی دغدغه‌ای است که همه جوامع و مکاتب به دنبال آن هستند. امنیت یعنی آرامش داشتن و احساس خطر نکردن است. امنیت اجتماعی شامل احترام و آبرو، امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت مسکن و شغل و امنیت اخلاقی است [۱۸]. ایمنی و امنیت به‌عنوان پیش شرط برقراری روابط اجتماعی در یک شهر محسوب می‌شود [۱۹].

۵- اعتدال در مدیریت و توسعه شهر

در دین اسلام اعتدال یکی از موارد موکد می‌باشد. اعتدال،

آن جهت که نوعی ارادت و محبت و رابطه معنوی بین زائر و مزئور پدید می‌آورد، احساس تنهایی و نیازهای درونی زائر را تامین نموده، روح وی را سیقل داده و او را به سوی زندگی معنوی سوق می‌دهد. این‌گونه است که ایجاد توسعه فضاهای معنوی و برنامه ریزی و مدیریت اجتماعی با محوریت مراکز دینی و مذهبی و مراسم‌های آیینی، در شکل‌گیری فضای معنوی، شهر معنوی و جامعه معنوی راه‌گشا است.

۲- بزرگداشت شعائر الهی

خداوند در سوره حج آیه ۳۲ می‌فرماید: "مَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ" هر کس شعائر خدا را بزرگ شمارد بی‌تردید (این تعظیم شعائر الهی) نشأت یافته از تقوای دل‌ها است. [۱]

مفهوم این آیه نسبت به تمام شعائر اسلامی عمومیت دارد. به عبارت دیگر «تمام آن‌چه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین او می‌اندازد، شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوای دل‌ها است». شعائر، جمع شعیره، به معنی علامت و نشانه است، بنابراین شعائر الله به معنی نشانه‌های پروردگار است که شامل سر فصل‌های آئین الهی و برنامه‌های کلی و آن‌چه در نخستین برخورد با این آئین چشمگیر است، از جمله مناسک حج، ساختن مرقد و آرامگاه برای اولیایه، اذان، نشر معارف دینی، عزاداری و احیای سنت‌های اهل بیت می‌باشد که انسان را به یاد خدا می‌اندازد، خداوند در مورد صفا و مروه نیز در آیه ۱۵۸، سوره بقره می‌خوانیم که، آن هم از شعائر الهی است (ان الصفا والمروة من شعائر الله) [۱]. تمام آن‌چه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین او می‌اندازد شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوای دل‌ها است [۱۵]. بنابراین هرکسی برای تعظیم و بزرگداشت شعائر حرکت و عملی انجام دهد منشا این عمل او از تقوای قلب خواهد بود و حقیقت تعظیم هم آن است که مقام و موقعیت این شعائر را در افکار و اذهان و ظاهر و باطن بالا ببرد و آن‌چه درخور احترام و عظمت آن‌ها است به جای آوردن. «تعظیم شعائر الهی» به این است که جنبه‌ی نمادین داشته باشد؛ خودش هم یک حرکت است؛ اما بیشترین تأثیری که مورد توجه است، آن تأثیر نمادین است. احیا هجرت امام رضا(ع) به ایران و نشر معارف آن حضرت، تلاش در جهت آفرینش محیطی هماهنگ با سیاق آن امام معصوم، می‌تواند در راستای بزرگداشت شعائر الهی و در مسیر تقوی قرار گیرد.

هر نوع عمل انجام شده در مناسک مذهبی، برای هدف غائی در نظر گرفته می‌شود که شمایل گوناگونی می‌یابد. در آداب شیعیان امامیه، زیارت، توسل، شفاعت، تشفی، نماز، جماعت، وقف، نذر، اعتکاف، قربانی کردن، صدقات، جشن‌ها و آیین‌های

از ابعاد گوناگون همان نظام تکوین یا به عبارتی همان نظام کالبدی حاکم بر طبیعت و عالم وجود است. اقلیم و همه مسائل اقلیمی و همه طبیعت و مسائل طبیعی و قوانین طبیعی و نظام حاکم بر طبیعت، تجسم و تجسد این جهانی آن نظام آسمانی و یا روحانی هستند. معماری هم‌ساز با اقلیم، رحمی مناسب و بلکه ضروری برای به وجود آمدن نطفه و رشد روح زندگی اسلامی (در ابعاد معنوی آن) است [۲۲].

۶- فضای عبادی و معنوی

اجتماع و زندگی مدنی به دو چیز احتیاج مبرم دارد. هیچ مفکری در دنیا پیدا نشده که منکر یکی از این دو چیز بشود: قانون و اخلاق. پشتوانه این دو ایمان است. اگر ایمان نباشد وضع مقررات به نام قانون و پند و اندرز به نام اخلاق، بی فایده و بی‌ثمر و لااقل بسیار کم‌ثمر و اثر خواهد بود. مسجد از نظر اسلام از اجتماع، علم، امنیت، آزادی، اخلاق و عدالت جدا نیست. بنابراین نماز که مذکر ایمان است، پشتوانه عدالت اجتماعی و اصل مساوات و رعایت حقوق اجتماعی است. مسجد از اجتماع و از امنیت اجتماعی جدا نیست. مسجد پشتوانه قانون عادلانه است. مسجد پشتوانه پند و اندرزهای اخلاقی است. سر موفقیّت اسلام این است که عدالت و عبادت را به هم توأم کرده، مسجد را پشتوانه دادگستری و شهرداری و شهربانی قرار داده است [۱۴]. از جمله مصادیق تعظیم و بزرگداشت شعائر دینی، احداث مساجد می‌باشد. تاسیس مسجد از مصادیق باقیات صالحات است که در احادیث متعدد از پیامبر اکرم و ائمه طاهرین بر آن و آبادانی و توسعه و حضور در اجتماع مسجد و آداب استفاده از آن تأکید شده است [۱۳].

همان‌طور که، طراحی باید با سنت طبیعت خدادادی هماهنگ باشد، باید با سنت شریعت الهی نیز هماهنگ باشد. هر قدر، نوع ساخت و سازها بتواند حاکمیت خداوند را متجلی کند و حضور او را به نمایش بگذارد، به همان میزان به معماری و شهرسازی اسلامی نزدیک تر شده است. برای مثال، با توجه به جایگاه مسجد در تعالیم اسلامی شایسته است، در طراحی و استخوان بندی و کاربری فضاها، مسجد پایگاه و محور فعالیت‌های اجتماعی باشد.

رابطه انسان با خدا و نیازمندی‌های ثابت عبادی و معنوی انسان (پرستش یکی از نیازمندی‌های اولی از دیدگاه شهید مطهری) ایجاب می‌کند که اولاً فضایی درخور برای عبادت و نیایش و نیازهای معنوی انسان در نظر گرفته شود و دوماً این فضا از نظر کیفیت، موقعیت و دسترسی از سایر فضاها بهتر باشد. فضای عبادی به‌ویژه مسجد می‌بایست بر محیط پیرامون خود تأثیری ملموس و سایه‌ای معنوی بر عملکردهای پیرامون خود بیافکند، به عنوان مثال در بازارهای تاریخی مساجد در نقاط

یعنی میانه روی و حد فاصل میان افراط و تفریط که چنین کاری از نظر اسلام، در همه چیز مطلوب است. قرآن مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام به‌عنوان «امت وسط» یعنی امت معتدل معرفی می‌کند و در آیه ۱۴ سوره بقره می‌فرماید: «و کَذَلِکَ جَعَلْنَاکُمْ اُمَّةً وَّسَطًا؛ و این گونه شما را امت میانه قرار دادیم» [۱]. علامه طباطبایی معتقد است که انسان باید در افعال خود حد وسط یا اعتدال را رعایت نماید تا به سعادت برسد و از افراط و تفریط دوری نماید [۴]. نظام عالم براساس هندسه‌ای دقیق پی ریزی شده است. همه پدیده‌های عالم از بزرگترین کهکشان گرفته تا کوچکترین ذرات اتم، از قانون عادلانه خلقت که «حقیقت» نامیده می‌شود، پیروی می‌کنند، به تعبیر امام علی (ع) آسمان‌ها و زمین در میان بندگان، به حق برپا شده است [۲۰]. اعتدال به‌طور عام و خاص و نیز در شهر و شهرسازی و مداخلات کالبدی می‌تواند سرلوحه برنامه‌ریزی و طراحی و عمل قرار گیرد. توجه به این اصل در مداخلات کالبدی می‌تواند حد و مرز تغییرات و ایجاد پیچیدگی را تعیین نماید. میانه روی به معنای رفتن در خط وسط که از دو طرف به یک فاصله است و دوری از افراط و تفریط است. در قرآن کریم از این واژه به تعبیر وسط یاد و از آن مدح گردیده است. "و کَذَلِکَ جَعَلْنَاکُمْ اُمَّةً وَّسَطًا لِّتُکُونُوا شُهَدَاءَ عَلٰی النَّاسِ" این چنین شما را امت معتدل قرار دادیم تا گواه بر همه مردمان باشید. امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: "خیر الامور اوسطها" بهترین کارها میانه آن‌ها است (یعنی میانه روی در هر کاری حتی در عبادت مطلوب و خردمندانه است و زیاده روی و کوتاهی نیز در هر کاری زیان آور و این همان افراط و تفریط است. در تمام امور زندگی باید اعتدال رعایت شود).

از جمله مسائلی که محیط زیست را در حال حاضر با ناهنجاری مواجه کرده است، سیستم ساخت و سازها در شهرها است که با طبیعت و نظام تکوین مغایرت دارد. از دید سنتی، جلوه‌های طبیعت، مواهب الهی است. حفظ این مواهب و همراهی با آن‌ها وظیفه مهمی در معماری و شهرسازی است [۲۱]. سالم نگهداشتن محیط زیست یعنی رعایت حق زمین، هوا، آب، خاک، دریا، صحرا، کوه و دشت، گیاهان، حیوانات و سایر موجودات و عرصه‌های زیست محیطی که با حیات فرد و جامعه پیوند دارند [۱۳].

معماری اقلیمی همان معماری اسلامی است. این موضوع از روایات، آیات قرآن و متون اسلامی قابل استخراج می‌باشد: امام صادق به یکی از شاگردانش به نام مفضل (و به منظور مسلح ساختن او به دلایل علمی و منطقی در بحث با مادیون در موضوع حقانیت اسلام یا نظام طبیعت)، می‌فرمایند: ای مفضل به ایشان بگو: "اگر آن‌ها برای طبیعت نظم و شعور قائل باشند، ما مسلمان‌ها می‌گوییم که طبیعت همان خدا است". اقلیم تنها یکی

در اشکال فردی، خانوادگی و جمعی درون شهری و برون شهری محقق شود که علاوه بر خلق معنویت پایدار، سبک زندگی مسلمانان را نیز شکل داده و هدایت خواهد نمود. گردشگری زیارتی رویکردی است که در توسعه پایدار شهرهای مذهبی می‌تواند به کار گرفته شود. خود اتکایی این شهرها در ابعاد اقتصادی و عدم وابستگی به کمک‌ها مالی دولتی می‌تواند به تحقق پایداری اقتصادی این شهرها کمک نماید. اتکای شهر، شهروندان و گردشگران به مراکز مذهبی و آیین‌های مربوطه نیز می‌تواند به پایداری فرهنگی-اجتماعی آنها کمک نماید [۲۴].

نتیجه گیری

شهر اسلامی شهری است که در آن احکام اسلامی در تمامی ابعاد شهری پیاده شود. شهرهای ایرانی با وجود تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگی و جغرافیایی، شهر مسلمانان بوده و در طول زمان و مکان معنویت قابل واکاوی است. معنویت یکی از مهمترین وجوه و نمودهای شهر اسلامی ایرانی است که با توجه به اهمیت آن باید در زمان‌ها و مکان‌های مختلف شهر قابل ملاحظه باشد. چرا که هر عملی در شهر اسلامی برای خدا و در راستای آموزه‌های اسلامی خواهد بود. اعمالی که برای خدا باشد، اعم از اعمال فردی و جمعی، معنویت را در شهر ایجاد می‌نماید که در ابعاد مختلف نمود پیدا می‌کند.

معنویت در شهرهای اسلامی ایرانی، می‌تواند در رویدادها، فعالیت‌ها و رفتارهای جمعی و فردی و اخلاقیات حاکم بر آنها نمود یابد یا در محیط طبیعی و مصنوع و فضای فیزیکی و بناهایی که با تواضع و مبتنی بر احکام اسلامی احداث شده‌اند، تجلی یابد. چنان‌که هر تازه واردی آن را در شهر احساس نموده و علاوه بر آن به رشد معنوی انسان‌ها کمک نماید. احترام به اخلاقیات و پایبندی به اصول اسلامی از جمله حقوق خداوند، حقوق نفس، حقوق سایر انسان‌ها، حقوق طبیعت می‌تواند به شکل گیری معنویت پایدار بیانجامد.

شهرهای معاصر ایران، علاوه بر سلاطین مختلف مدیران و تصمیم گیران، دارای مشکلات عدیده‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی، ترافیکی، خدماتی و فضایی کالبدی هستند. در کنار آنها مسائل مختلف شهروندان و دغدغه‌های آنها و نارضایتی‌های گسترده و پیچیدگی زندگی معاصر به کثرت مشکلات شهرها می‌افزاید. به‌طوری‌که این عوامل مجموعاً معنویت شهرها را تضعیف نموده و کارکردگرایی‌های صرف در کنار افول اخلاق و معنویت را به‌طور روزافزون شاهد هستیم. بنابراین ضروری است که با بازگشت به مبانی اعتقادی و اصیل اسلامی در کنار برنامه ریزی‌های مربوطه و بازگشت به اخلاق اسلامی، معنویت شهرهای ایرانی اسلامی را

شاخص و قابل استفاده برای بازاریان و همسایگان بازار احداث می‌شده است. همچنین فضای عبادی و معنوی می‌تواند، محلی برای آموزش احکام و کمک‌های مردمی و اجتماعات مذهبی و کانون معنویت و خدامحوری برای بافت پیرامون خود باشد.

۷- کرامت انسانی

کرامت، نحوه وجود و هستی خاصی است که کامل‌ترین مصداق آن برای خدای سبحان ثابت است که دارای عالی‌ترین درجه وجود بوده، بلکه خود، هستی محض است و چون معنای کرامت، هم بر واجب الوجود وهم بر ممکن الوجود به نحو اشتراک معنوی، نه لفظی اطلاق می‌گردد. کرامت مانند ولایت، غناء، شهادت و ... وصف نفسی است که لازمه آن افاضه به دیگران است و معادل سخاء، جود، عطاء، هبه و ... نمی‌باشد که وصف نسبی ناظر به مقام اضافه به غیر است. گرچه اکرام و تکریم در بعضی از اقسام و درجات خود معادل جود و هبه و ... می‌باشد، کما اینکه مقابل کرامت، لثامت و مقابل جود، بخل و مانند آن است و ممکن است انسان وارسته در حال تهیدستی کریم باشد، ولی جود و وهاب نیست؛ زیرا کرم‌داری که درم ندارد، بالفعل کریم است؛ گرچه بالفعل جواد و واهب و ... نمی‌باشد. اکرام و همچنین تکریم اگر به معنای کریم نمودن دیگری باشد، معادل با مطلق جود و بخشش نیست؛ مانند آیه ۲۷ سوره یس "وَجَلْنِي مِنَ الْمَكْرَمِينَ" [۱] که در این جمله، اکرام به معنای کریم نمودن و مکرم ساختن انسان است. [۲۳]. کرامت انسانی در بعد فضایی و کالبدی با بزرگداشت مقام انسانی، نیازها و رعایت حریم و جایگاه متعالی وی متجلی شود. بنابراین پرهیز از فریب انسان از طرق مختلف تبلیغاتی و جذابیت‌های فریبنده و برانگیختن حسرت‌های مادی و دوری از مدگرایی ناسازگار با فطرت انسان و تنوع طلبی‌های مادی و روحی و ... از جمله مصداق کرامت انسانی است. در شهرهای معاصر با روش‌های مدگرایی و تبلیغ‌های فریبنده و مدگرایی‌ها، افراد را به خرید و مصرف بیشتر سوق داده و در راستای اهداف مادی شرکت‌ها و برندهای معروف و ثروت اندوزی، کرامت انسانی از اهداف متعالی به مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی در حال افول است. همچنین در متون اسلامی بر لزوم کرامت انسانی تاکید شده است. فضاهای شهری باید زمینه ساز کرامت انسانی باشند.

معنویت دارای انواع و گستره‌های وسیع و متنوعی است که معنویت دینی یکی از انواع آن بوده و از میان معنویت دینی، معنویت اسلامی نیز بر مجذوب شدن در برابر لطف الهی، نیت و عمل صالح، خدامحوری در کارها و به‌طور کلی بر ارکان دین اسلام است. یکی از آداب موکد احکام و اخلاق اسلامی، زیارت خداوند و اولیای الهی است. زیارت می‌تواند در اشکال متنوعی از جمله گردشگری زیارتی صورت پذیرد. گردشگری زیارتی می‌تواند

ارتقا بخشیم.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تائیدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع:

۱. قران کریم.
۲. راپوپورت ایمس (۱۳۶۸). تاریخ شهر: منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی. ترجمه راضیه رضازاده. تهران: جهاد دانشگاهی علم و صنعت.
۳. بیات بهرام (۱۳۹۳). رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی، فصلنامه علمی و پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۳۷-۱۶۷.
۴. طباطبایی محمدحسین (۱۳۸۷). معنویت تشیع به ضمیمه چند مقاله دیگر، گردآوری توسط محمد بدیعی با مقدمه علامه حسن زاده آملی، قم، انتشارات تشیع، چاپ چهارم، صص ۷۵-۷۹.
۵. مطهری مرتضی (۱۳۸۹). شش مقاله، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و چهارم.
۶. ابن‌سینا حسین بن عبدالله (۱۳۹۲). مجموعه رسائل ابن‌سینا. ترجمه سید محمود طاهری، قم: نشر ایت اشراق، چاپ دوم.
۷. جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۴). توحید در قرآن. قم: نشر اسراء، چاپ دوم.
۸. شکویی حسین (۱۳۸۳). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد اول. تهران: گیثاشناسی، چاپ هفتم.
۹. حکیم سلیم بسیم (۱۳۸۱). شهرهای عربی اسلامی. اصول شهرسازی و ساختمان. ترجمه محمدحسین مالکی و عارف اقوامی مقدم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۰. پارسایان حمید، اسلامی اصغر (۱۳۹۲). عقلانیت سکولار و قدسی در ساحت جهان‌دانی، جهان‌داری و جهان‌آرایی، فصلنامه علمی و پژوهشی آیین حکمت. سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۴۳-۷.
۱۱. جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۹). فطرت در آئینه قرآن، نشریه انسان پژوهی دینی، سال هفتم شماره ۲۳، صص ۲۸-۵.
۱۲. خلیلی مصطفی (۱۳۹۰). اخلاق توحیدی از دیدگاه علامه طباطبایی. فصلنامه اخلاق و حیانی، سال اول، شماره اول، صص ۱۲۶-۱۲۵.
۱۳. جوادی آملی عبدالله (۱۳۹۴). مفاتیح الحیاة. ویراست دوم. قم: نشر اسراء، چاپ اول.
۱۴. مطهری مرتضی (۱۳۸۲). یادداشت‌های استاد مطهری، جلد هفتم، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
۱۵. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، جلد ۱۴، تهران: ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم، صص ۹۷-۹۶.
۱۶. مک لولین شون (۱۳۸۳). دین مراسم مذهبی و فرهنگ، ترجمه افسانه تجاریان، اهواز، نشر رشش، چاپ اول.
۱۷. باقری نفیسه و دردشتی سمیرا (۱۳۹۲). کارکردهای اجتماعی امامزادگان و مناسک مذهبی آنها مطالعه موردی امامزاده درب امام اصفهان و امامزاده نرمی دولت‌آباد، نخستین کنگره بین المللی امامزادگان، سازمان اوقاف و امور خیریه استان اصفهان و دانشگاه اصفهان، جلد اول، صص ۱۲۳-۱۵۹.
۱۸. کلانتری خلیل‌آباد حسین، حقی مهدی و دادخواه محسن (۱۳۹۳). مولفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی. فصلنامه علمی و پژوهشی نقش جهان. سال چهارم.
۱۹. دانشپور سید عبدالهادی، روستا مریم (۱۳۹۲). چارچوب مفهومی اجتماع پایدار در جهان بینی اسلامی و سنت شهرسازی مسلمانان. فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی. سال اول. شماره اول. صص ۹-۲۴.
۲۰. برجی نژاد زینب (۱۳۹۳). اعتدال و میانه روی، سامانه مقالات پژوهی، پژوهشکده باقرالعلوم، قابل دسترسی در پایگاه <http://pajoohi.ir>
۲۱. نصر سید حسین (۱۳۷۴). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: نشر هنر (۲۸). صص ۴۵-۵۲.
۲۲. علی‌آبادی بیژن (۱۳۹۰). تهران و تکیه‌هایش، سامانه مقالات انجمن مفاخر معماری ایران، قابل دسترسی در پایگاه www.ammi.ir
۲۳. جوادی آملی عبدالله (۱۳۶۶). کرامت در قرآن. قم: بنیاد بین المللی اسراء، چاپ اول.
۲۴. مولائی اصغر (۱۴۰۰). تبیین ابعاد و راهبردهای ارتقای معنویت در شهرهای زیارتی با تاکید بر بقاع متبرکه، دو فصلنامه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال ششم شماره اول. <http://www.esra.ir>